

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۵۰۱۹۸۰۴۴ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترق

سه‌شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۵

۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۰ اکتبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۰۵ • صفحه ۶۰۱۶

اذان ظهرتهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۱ • اذان صبح فردا ۴:۵۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

کودک

وقتی مادرها

مشق شب می‌نویسند

زمانی که فیلم «مشق شب» عباس کیارستمی در سینما عصر جدید اکران شد، مادرم که معلم بود بدون اینکه ما را همراه خودش ببرد، به تماشای فیلم رفت؛ انکار باید در یک کارگاه آموزشی شرکت می‌کرد. این اتفاق برای اواخر دهه ۶۰ است؛ احتمالا پاییز یا زمستان ۶۷ یا ۶۸. عباس کیارستمی وقتی خودش درگیر مسئله مشق و تکلیف فرزندش شده، به سراغ این موضوع رفته و این فیلم مهم و ضروری را ساخته است و در آماری که او ارائه می‌دهد، ۳۷ درصد پدر و مادرهای آن زمان نمی‌توانستند به فرزندانشان در نوشتن تکالیف کمک کنند.

این فیلم مستند درباره کودکان دبستانی است؛ کودکانی که تازه می‌خواهند نوشتن و خواندن یاد بگیرند. حدود ۴۰ سال از آن فیلم می‌گذرد. قاعدتا کودکان آن فیلم حالا مادر و پدرهایی شده‌اند که با فرزندانشان سر همین تکلیف‌نویشتن مشکل دارند. البته شرایط خیلی فرق کرده است. دیگر آن‌قدرها تکلیف نمی‌دهند و دیگر برنامه کودک ساعت پنج نمی‌تواند ابزار تشویق یا تنبیه باشد. الان اکثر مدارس غیرانتفاعی تکالیف را جذاب‌تر ارائه می‌دهند.

اکثر پدر و مادرها باسوادند و به‌شدت پیگیر درس و مشق و شرایط کودکانشان هستند. انکار هرآنچه در کودکی نداشته‌اند، می‌خواهند کودکانشان داشته باشند. گاهی نمونه طنز از روی رفتارشان را در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم؛ نمونه مادرانسی که ساعت‌ها جلوی مدرسه می‌ایستند یا حتی پدر و مادرهایی که کارهای سربازی و دانشگاه فرزندانشان را انجام می‌دهند. از آن فیلم و آن شرایط تا امروز زمان زیادی گذشته و تغییرات زیادی رخ داده است. حالا کمتر ممکن است پدر و مادری پیدا کرد که به خاطر بی‌سوادی نتواند کودک را در انجام تکالیفش راهنمایی کند. البته شاید بشود معیارهایی مانند نداشتن وقت و حوصله را اضافه کرد. کودک قرار نیست بلافاصله بعد از مدرسه مدام با شنیدن یا فرستادن هشدار «تکالیفت مانده» عاصی شود. تکالیف مسئولیت کودک است. داشتن یک استراحت کوتاه همراه با حفظ استقلال فرزند در زمان حل تکالیف، می‌تواند روی یادگیری و اعتمادبه‌نفس او تأثیر زیادی داشته باشد.

از طرفی خیلی کوتاه و در چند نکته شاید بشود به این موضوع پرداخت که چگونه کودک تکالیفش را انجام دهد. نقش مادران چیست؟ آیا باید تکالیف را با بچه انجام دهند یا فقط کنارش باشند؟ آیا قرار است بعد از مدرسه، هرآنچه در کلاس نفهمیده را به او آموزش دهند یا فقط قرار است کنارش باشد؟ طبق پژوهش‌های منتشرشده، حمایت والدین وقتی به یادگیری کمک می‌کند که استقلال کودک حفظ شود و نه اینکه جای او فکر کنند. جواب بدهند یا مدام کنارش را کنترل کنند. همچنین دراین‌باره که اول تکلیف را کامل انجام دهند بعد به سراغ بقیه استراحت و تفریح بروند هم برای هر کودک متفاوت است.

اگر بچه تازه از مدرسه برگشته و خسته است، لزوما بهترین زمان برای انجام تکالیفی مثل ریاضی و املا نیست؛ اما یک استراحت ۲۰ تا ۳۰ دقیقه‌ای می‌تواند عملکرد را بهتر کند. ایسنا نوشته است که استراحت قرار نیست تبدیل شود به یک ساعت بازی با موبایل، بلکه یک وقفه کوتاه می‌تواند شامل اینها باشد: کمی خوراکی، بازی با حرکت، دوش گرفتن، حرف‌زدن از اتفاقات مدرسه یا حتی چند دقیقه نشستن و هیچ‌کاری‌نکردن تا کودک از حالت «تمام روز باید عملکرد داشته باشم» خارج شود و بعد دوباره سراغ یادگیری برود. با رسیدن به مرز باریک کمک‌کردن، یک قانون ساده شکل می‌گیرد که شامل «کنارش باش» اما «جایش نباش» می‌شود؛ یعنی اگر کودک گفت «اینو نمی‌فهمم»، نباید بگویید «بده من نجامش بدم»، بلکه باید پرسید «کدوم قسمت برات نامفهومه؟» و بعد اجازه داد خودش راه‌حل را پیدا کند. در نهایت اینکه چند نکته کوچک می‌تواند زندگی را برای کودک و خانواده آسان‌تر کند.

تجمعات شبانه جلوه‌ای از ایستادگی و فرصتی برای تقویت روحیه مسئولان بوده، آن هم در شرایطی که کشورمان با تهدیدات مستمر دشمن روبه‌رو است. حضور خیابانی، هرقد پرشور و گسترده، به‌خودی‌خود نشان نمی‌دهد شکاف‌های اجتماعی کاهش یافته، اعتماد عمومی ترمیم شده یا گروه‌های مختلف جامعه، خود را در سرنوشتی مشترک سهیم می‌دانند. تفاوت میان این دو آن است که انسجام درون‌گروهی بر اشتراکات یک طیف استوار است، اما همبستگی ملی به یک نقطه مشترک میان همه ایرانیان نیاز دارد که در شرایط جنگی، باید ایران و دفاع از تمامیت ارضی آن باشد.

ایرانیان، با وجود تفاوت‌های سیاسی و فکری، نگران سرنوشت کشورند، با مداخله و تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل مخالف هستند و از ایران دفاع می‌کنند. بخش بزرگی از این سرمایه اجتماعی می‌توانست در تجمعات شبانه نیز حضور پیدا کند، به‌ویژه اگر از همان ابتدا نشانه‌های روشنی از تلاش برای شکل‌دادن به اجماعی ملی، فراتر از مرزبندی‌های سیاسی، دیده می‌شد. با گذشت زمان، تجمعات به‌تدریج چهره‌ای یکدست‌تر پیدا کرد. در برخی از آنها، شعارهای تفرقه‌افکنانه سر داده شد و بعضی سخنرانان، به‌جای تمرکز بر تهدید خارجی، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و شماری از مسئولان سابق را هدف حمله قرار دادند. این روند، فرصت گسترش دایره همراهی ملی را محدود کرد، اما هنوز هم می‌توان افقی فراتر‌تر پیش‌روی این تجمعات گشود که در آن دفاع از ایران به معنای تأیید بی‌قیدوشرط یک جریان سیاسی نباشد و هر ایرانی، با هر سلیقه و دیدگاهی، بتواند خود را در کنار دیگران و سهیم در دفاع از میهن ببیند. ظرفیت ملی این تجمعات زمانی شکوفا می‌شود که پرچم ایران، نشان مشترک همه ایرانیان باشد.

از شمار حاضران در این تجمعات نمی‌توان درباره میزان همراهی کل جامعه با آنها داوری کرد، چون حضور خیابانی فقط یکی از صورت‌های بروز موضع اجتماعی است. چپسدا میلیون‌ها ایرانی، بی‌آنکه در این اجتماعات شرکت کنند، مخالف جنگ و مداخله خارجی باشند، نگران آینده کشور بمانند و دفاع از تمامیت ارضی را وظیفه‌ای ملی بدانند. مسئله این است که اشتراک در نگرانی برای ایران، الزاما به‌معنای اشتراک در هویت سیاسی تجمعات یا تأیید همه پیام‌های آنها نیست. وقتی میان فدفاع از میهن و همراهی با یک جریان سیاسی، پیوندی ناخواسته برقرار می‌شود، بخشی از جامعه که می‌تواند در نقطه اشتراک ملی کنار دیگران بایستد، عملا بیرون



جمعه‌مسجد اردبیل با قدمت بیش از هزار سال در دوران سلجوقیان بر روی تپه باستانی با آثاری از دوره اشکانی ساخته شده است. این مسجد با شبستان ستون‌دار، یکی از اولین مساجد دوران اسلامی منطقه آذربایجان ایران بوده و یکی از شاهان تاریخی اردبیل به شمار می‌رود و اکنون با همت اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اردبیل، این مسجد تاریخی در حال احیا، مرمت و ساماندهی است. عکس: محمد دشتی، مهر.

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

apararat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

تجمعات خیابانی؛ از شور جمعی تا افق ملی



قادر باستانی‌تبریزی

از دایره مشارکت قرار می‌گیرد. این فاصله را نباید نشانه بی‌تفاوتی یا فقدان همبستگی دانست؛ باید آن را هشداری درباره محدودشدن ظرفیت نمایندگی ملی این اجتماعات تلقی کرد. سرمایه واقعی ایران، فقط کسانی نیستند که در خیابان حضور دارند؛ همه ایرانیانی‌اند که با وجود تفاوت در نگرش و نقدهایشان، نگران سرنوشت مشترک کشورند. انسجام اجتماعی را هم نباید با یکسان‌سازی جامعه اشتباه گرفت. جامعه منسجم، جامعه‌ای نیست که در آن همه مثل هم ببینیشند، اختلاف‌ها را پنهان کنند یا صدای منتقدان برای حفظ وحدت خاموش شود؛ جامعه‌ای است که در آن، تفاوت در نگرش، سلیقه و سبک زندگی، مانع احساس تعلق مشترک نمی‌شود. معیار انسجام آن است که گروه‌های مختلف، با حفظ هویت و دیدگاه مستقل خود، سرنوشت یکدیگر را بخشی از سرنوشت خویش بدانند و بتوانند بر سر منافع اساسی کشور به توافق برسند و همکاری کنند. وحدت پایدار از توانایی جامعه برای همزیستی و همکاری با وجود اختلاف‌ها شکل می‌گیرد.

با این معیار، باید بی‌پرده به وضعیت جامعه ایران نگاه کرد. نشانه‌هایی وجود دارد که بخش‌هایی از جامعه، به‌جای احساس تعلق به یک فضای عمومی مشترک، در حال فاصله‌گرفتن از یکدیگرند. برای گروهی، خیابان عرصه ابراز هویت و حضور اجتماعی شده است و برای گروهی دیگر، کافه‌ها، پاساژها و دیگر فضاهای زندگی روزمره، مسئله از جایی آغاز می‌شود که هر طرف، حضور و سبک زندگی طرف مقابل را برنمی‌تابد؛ یکی از صدا و ازدحام و محدودشدن رفت‌وآمد گلایه دارد و دیگری حضور متفاوت او را نشانه‌ای از بی‌اعتنایی یا مخالفت تلقی می‌کند. گاه این تقابل از دلخوری و بدبینی فراتر می‌رود و به تلاش برای محدودکردن یا مختل‌کردن حضور دیگری می‌انجامد. این وضعیت نشان می‌دهد مسئله فقط اختلاف سلیقه یا تفاوت در شیوه

گزارش‌خوانی

صدای زن پس از سیطره هوش مصنوعی در موسیقی ایرانی

هوش مصنوعی و پیشرفت مدل‌های سازگار با موسیقی ایرانی حکایت دارند. در نتیجه، می‌توان تأکید کرد در حال حاضر نمی‌توان از حذف هنرمندان سخن گفت و هنوز اختلافات زیادی در زمینه تغییر و استفاده از صدا و اثر وجود دارد و مالکیت هر صدا و اثر هنری مشخص است. در واقع هوش مصنوعی بیشتر در حال تولید خوانندگان و آثار جدید است، نه حذف آنان.

در این میان هنوز یک نکته مهم دیگری وجود دارد: نظر مخاطبان چیست؟ آیا آنان ساخته‌های هوش مصنوعی را می‌پسندند؟ در جست‌وجویی که با کمک هوش مصنوعی انجام شد، دریافتیم پژوهش‌های مربوط به واکنش شنوندگان، نتیجه یکسانی ندارند. اما موسیقی ایران با تمام نکاتی که در بالا بیان شد، یک ویژگی خاص دارد: تعدادی از زنان موسیقی‌دان و خواننده بارها روانه دادگاه شدند و حکم دارند و به‌تازگی دو گروه لیان و پالت اجراهای خود را لغو کردند، چراکه به زنان گروه آنان در شهرهایی اجازه حضور در صحنه همراه با ساز داده نشده است و حالا علامت سؤال‌های متعددی وجود دارد که درباره تأثیر هوش مصنوعی بر صدای زنان یا در واقع جایگاه زنان پس از گسترش هوش مصنوعی می‌توان پرسید. با توجه به شرایطی که این گزارش به آن اشاره کردیم، این پرسش مطرح است: در حکم‌های موسیقی ایرانی، یعنی ممنوعیت صدای خانم‌ها در موسیقی، چه تغییری رخ داده داد؟ با چه شرایط تکنیکی صدای زنان از حصر ۵۰ساله خارج می‌شود؟ اگر خواننده مجازی با صدای زن ساخته شود، آیا صدایش مجاز است؟ اگر با ابزار هوش مصنوعی صدای زنان خواننده را کمی تغییر دهند چطور؟ به نظر می‌رسد هوش مصنوعی بتواند از این‌ منظر علاوه بر مواردی در کاهش زمان تولید و ساخت، به اهالی موسیقی ایران کمک کند.

۱۱۴

درصد

ایلنا : مدیرکل فرآورده‌های دارویی سازمان غذا و دارو از هزینه‌های ۲۰۰ تا ۳۰۰میلیونی داروهای خارجی و لزوم جایگزینی این اقلام با نمونه‌های داخلی سخن می‌گوید. نمونه‌های داخلی اقلام دارویی نیز در ماه‌های اخیر حداقل ۱۰۰ تا ۲۰۰ درصد گران شده است. در شهریور، تورم نقطه‌به‌نقطه تولیدکننده در صنعت دارو به ۱۱۴ درصد رسید. بررسی فهرست جدید داروسازی لقمان نیز نشان می‌دهد میانگین قیمت ۵۰ قلم دارو حدود ۷۰ درصد بالا رفته و براساس فهرست کدال شرکت زهراوی، ۲۳ داروی این شرکت از ۲۷ درصد تا ۱۱۷ درصد گران شده است.

۲۰

سال

ایسنا: کشت کنترل‌شده خشخاش یا شقایق الیغرا پس از ۲۰ سال برای مصارف پزشکی دوباره آغاز شده است. دبیرکل اسبق ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: «بحث بر سر ایجاد زنجیره قانونی، شفاف و قابل ردیابی برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنعت داروسازی است.» علی هاشمی با تأکید بر اینکه کشت دارویی باید یک زنجیره امنیتی- دارویی کاملا بسته از بذر تا مزرعه، از مزرعه تا کارخانه و از کارخانه تا بیمار باشد، گفت: «هیچ بخشی از این فرایند نباید از نظارت خارج شود و تولید باید صرفا در چارچوب مجوزهای دارویی و با رعایت استانداردهای لازم انجام گیرد».

۷,۳۶۵,۰۰۰

تماشاگر

سینمای ایران در آخرین هفته مهرماه و با شروع اکران فیلم‌های جدید به فروش هزار میلیارد تومان نزدیک شده است. از روز چهارشنبه ۲۲ مهر، فیلم‌های «بت»، «بی‌دار» و «بامبولک ۲» به چرخه اکران سینماها اضافه شدند و در سه روز، ۵۵ هزار نفر، تماشاگر این فیلم‌ها بوده‌اند. با اضافه‌شدن این آثار، فروش کلی سینما از ابتدای سال تاکنون به ۹۵۵ میلیارد و ۵۵۹ میلیون تومان رسیده و تعداد تماشاگران هم به بیش از هفت میلیون و ۳۶۵ هزار نفر افزایش پیدا کرده است. «خانوم والده» با وجود نقدهای متعدد، پرفروش‌ترین فیلم امسال تاکنون است و پس از آن «زنده‌شور» قرار دارد.

شبکه‌خوانی

میوت؛ حق نشنیدن

محمد آقاسی

گروه خانوادگی را با گزینه میوت خاموش کردیم، اما گاهی به آن سر می‌زنیم. گروه همکاران را هم همین‌طور، اما نمی‌توانیم از چیزهایی که ممکن است بی‌خبر بمانیم، دور شویم. اگر به چند سال پیش برگردیم، به خاطر می‌آوریم نشنیدن صدای دیگری به تصمیم ما وابسته نبود و حتی هزینه داشت. برای نشنیدن، باید از جمع فاصله می‌گرفتم؛ یا تلفن را جواب نمی‌دادیم یا در شلوغی شهر خود را پنهان می‌کردیم. یعنی با ایجاد فاصله، سکوت ایجاد می‌شد. اما زندگی پلتفرمی به ما این امکان را داده که در جمع باشیم و با میوت‌کردن، دل‌مان هرجا می‌خواهد باشد.

میوت به‌ظاهر قابلیت ساده فناوریانه‌ای مثل سایر قابلیت‌ها برای مدیریت روابط در شبکه‌های اجتماعی است. پلتفرم‌ها هم‌زمان که ما را به ارتباط دائمی دعوت می‌کنند، امکان در دسترس نبودن را نیز فراهم می‌آورند. این یعنی شکل جدید تنظیم روابط با دیگران صورت بگیرد. ما می‌توانیم بدون آشکارشدن، یعنی بدون خروج از گروه یا بدون توضیح و حتی بدون آنکه دیگران متوجه شوند، صدای یک رابطه را خاموش کنیم. در عین حال که عضویت حفظ می‌شود، شنیدن الزامی نیست.

در جهان آکنده از صدا و سرشار از نمادهای اعلان و درخواست توجه، سخن‌گفتن از حق نشنیدن دارای اهمیت است. دسترسی به انسان‌ها دائمی شده؛ در حالی که توان توجه انسان، بسیار محدود است. هیچ‌کس نه می‌تواند و نه باید در تمام ساعات روز پذیرای شنیدن از دیگران باشد. میوت، مرزی کوچک و ضروری میان مطالبه فرد و مطالبات بی‌وقفه محیط اجتماعی است؛ فرصتی برای داشتن خلوت و بازیابی توان ذهنی، اما هر حقی طرف دیگری هم دارد. یادداشت «آخرین بازدید» به ما نشان داد دیگران می‌توانند غیاب ما را بسنجند و محدود کنند. میوت وارونه آن است؛ چراکه این بار ما حضور دیگری را محدود می‌کنیم. به این تفاوت هم توجه باید کرد. کسی که میوت شده، نمی‌داند؛ هنوز می‌نویسد، ویس می‌فرستد، خبر تازه‌ای را با اشتیاق تعریف می‌کند و منتظر می‌ماند. شاید حتی ببیند پیامش «ارسال شد» و دلش گرم شود که کسی آن سو هست.

اهمیت جامعه‌شناختی میوت‌کردن در فرآگیری و تکرار آن است. ممکن است گروهی را میوت کنیم، چون پیام‌هایش بیش از اندازه زیاد است، اما واقعیت آن باشد که صدای آن را خاموش کنیم، چون تحمل اختلاف‌نظر در آن دشوار شده است. گاهی نمی‌خواهیم در معرض چیزی قرار بگیریم که آرامش، باورها یا تصویرمان از خودمان را به هم می‌زند. صدا البته این حکم عمومی نیست. وقتی امکان خاموش‌کردن صداها به بخشی‌عادی از زندگی جمعی تبدیل می‌شود، باید پرسید روابط ما چگونه با حدود تازه شنیدن و شنیده‌شدن سازگار می‌شوند؟

زندگی جمعی پلتفرمی، به تحمل صداها‌ی شکایت، تردید، اختلاف و سخن تکراری دیگران وابسته است که شنیدن آن را انتخاب نکرده‌ایم. این مسئله در سطح احساسات جمعی نیز اهمیت دارد. خشم، اندوه، ترس و حتی شادی، در روابط اجتماعی گردش می‌کنند و از طریق شنیده‌شدن، پاسخ‌گرفتن و به رسمیت شناخته‌شدن شکل می‌گیرند. وقتی افراد به‌طور فراینده‌ای در معرض صداها‌ی انتخاب‌شده قرار می‌گیرند، مسیر گردش احساسات تغییر می‌کند. برخی صداها مجال تکرار و تقویت پیدا می‌کنند و برخی دیگر، پیش از آنکه به تجربه‌ای مشترک تبدیل شوند، در سکوت باقی می‌مانند. میوت به‌تهایی چنین وضعیتی را ایجاد نمی‌کند، اما بخشی از مجموعه ابزارهایی است که رابطه ما با صدا‌های جمعی را دگرگون می‌کند. میوت به ما اجازه می‌دهد صدا را خاموش کنیم، بی‌آنکه الزاما رابطه را قطع کنیم. اما هیچ دکمه‌ای نمی‌تواند تعیین کند کدام صدا را باید نشنید و کدام صدا، هرچند ناخوشایند، برای ادامه زندگی جمعی اهمیت دارد. فناوری امکان سکوت را فراهم می‌کند، اما تشخیص نسبت میان سکوت، خلوت و حذف دیگری همچنان بر عهده انسان است. حالا باید ملاحظه کرد در میان انبوه صداهایی که امکان خاموش‌کردن آنها را داریم، چه چیزی را برای شنیدن انتخاب کرده‌ایم.